

## پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و هشتاد و هفت - نیمسال اول

### مقالات

- بهینه‌سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران
- قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت: زمینه و دورنما در برداشتی حقوقی
- موارد عدم تعهد بیمه‌گر در بیمه‌های اشخاص
- جرم‌انگاری انکار هولوکاست: مطابق یا مغایر حقوق بشر؟
- حوادث اتمی و اصول مسؤلیت مدنی
- قاعده منع توسل به زور پس از بحران اخیر اوستیای جنوبی

### موضوع ویژه: حمایت حقوقی از اشخاص دارای معلولیت

- تحول گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر
- تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان
- حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران: ضرورت همگامی با تحولات بین‌المللی
- سازوکارهای حمایت از حق اشتغال اشخاص دارای معلولیت
- حمایت از اشخاص دارای معلولیت در درگیری‌های مسلحانه
- نگاهی به حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا
- بازداشتگاه مناسب برای معلولان زندانی از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر

### نقد: لایحه قانون مجازات اسلامی

- آسیب‌شناسی لایحه قانون مجازات اسلامی از منظر عقلانیت گفتاری
- جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی: نقد بزه‌دیده‌شناسانه باب کلیات
- مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در لایحه قانون مجازات اسلامی
- واکاوی لزوم استیذان در قصاص





## مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در لایحه قانون مجازات اسلامی

دکتر وحید اشتیاق\*

پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از جمله مباحث دامنه‌دار در بین حقوقدانان کشورهای مختلف بخصوص در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بوده است. پس از سالها مباحثات موافقان و مخالفان<sup>۱</sup> بالاخره ضرورتهای عملی برای واکنش مناسب به برخی جرائم ارتكابی راه را برای پذیرش این نوع از مسئولیت فراهم کرده است و امروز دیگر در قوانین کیفری بسیاری از کشورها جای خود را باز کرده است. با اینحال تصویب قوانین جدید یا اصلاح قوانین قبلی در این زمینه همچنان در زمره موضوعاتی است که فرصتهایی از مجالس قانونگذاری کشورها را به خود اختصاص داده است از جمله در ایالات متحد آمریکا که این نوع از مسئولیت را از اواخر قرن نوزدهم پذیرفته است و رویه قضائی این کشور در طی سالیان متمادی در چارچوب نظام کامن‌لا آن را توسعه داده است معهداً در سال ۲۰۰۲ قانون جدیدی که اختصاصاً درباره این موضوع است از تصویب کنگره این کشور گذشت.

توسعه سریع این بخش از قوانین و مقررات کیفری در بسیاری از کشورها به چند عامل برمی‌گردد. امروزه کمتر کسی است که به نوعی در ارتباط با اشخاص حقوقی قرار نگرفته

\* عضو هیأت علمی و رئیس پژوهشکده حقوق شهردانش

۱. برای اطلاع از دلایل موافقان و مخالفان پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نک: وحید اشتیاق، «گرایش به پذیرش و توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی؛ واکنش واقع‌گرایانه به آثار توسعه»، مجله پژوهشهای حقوقی، ش ۱۱، نیمسال اول ۱۳۸۶، ص ۳۲.

باشد. برای مثال امروز کمتر کالایی به دست مصرف کنندگان می‌رسد که حداقل یک یا چند شخصیت حقوقی در مراحل تولید و توزیع آن نقش نداشته باشند. در طرف دیگر بسیاری از قراردادهای کار، یک شخصیت حقوقی به‌عنوان کارفرما قرار دارد و اصولاً امروزه بازیگران اصلی صحنه اقتصاد و حتی سیاست و فرهنگ و دانش در اغلب کشورها اشخاص حقوقی هستند. از سوی دیگر با وقوع برخی رویدادها در سالهای اخیر خطراتی که از رفتارهای این اشخاص می‌تواند متوجه نظم اجتماعی شود به‌طور روزافزون حس می‌شود. لطمات برخی از شرکتها به محیط زیست<sup>۲</sup>، رسوایی‌های ناشی از تقلبات مالی و سقوط ارزش سهام در بورس و ورود زیان به بسیاری از سرمایه‌گذاران<sup>۳</sup>، برهم زدن نظم اقتصادی حتی تا سقوط ارزش پول ملی<sup>۴</sup> و نظایر آنها از جمله حوادثی بوده است که وقوع آنها در دو دهه اخیر نگرانی‌های عمیقی را نسبت به بی‌دفاع بودن جامعه در برابر خطرات اشخاص حقوقی برانگیخته است. این در حالی است که قوانین و مقررات مورد نیاز در این بخش توانسته است پا به پای اهمیت یافتن نقش اشخاص حقوقی توسعه یابد و هنوز راه زیادی را برای یک توسعه مطلوب در پیش رو دارد.

در کشور ما تا پیش از این مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی هیچگاه صراحتاً از سوی قانونگذار پذیرفته نشده است و در اغلب موارد در واکنش به جرائم ارتكابی آنها صرفاً مجازاتهایی برای مدیران اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده است. با وجود این، از سر ضرورت در موارد متعددی در قوانین مختلف به‌طور پراکنده مجازاتهایی برای اشخاص

۲. برای مثال در طی دو دهه اخیر دعاوی بسیاری علیه شرکتهای بزرگ و کوچک صنعتی در خصوص دفع زباله‌های صنعتی و نشت مواد شیمیایی و تولید گازهای زیان‌آور اقامه شده است. همچنین دعاوی بسیاری علیه شرکتهای راهسازی و ساختمانی و تولیدکننده چوب در خصوص تخریب جنگلها و منابع طبیعی مطرح شده است.

۳. ماجرای تقلبها و متعاقباً رسوایی شرکت Enron در ایالات متحد امریکا در سال ۲۰۰۲ و شرکت Parmalat در ایتالیا در سال ۲۰۰۳ از جمله حوادثی بودند که لطمات فراوانی را به ثبات بورس و شاخص سهام وارد کردند و به نوبه خود تأثیر فراوانی بر واکنشهای قانونی در این کشورها گذاشتند.

۴. ماجرای بحران مالی در تایلند و مالزی و برخی دیگر از کشورهای منطقه آسه آن در سال ۱۹۹۷ و سقوط ۵۶ درصد ارزش بازار سهام کوالالامپور بنا به اظهارات نخست وزیر وقت مالزی در اثر اقدامات شرکتهای سرمایه‌گذاری متعلق به یک ثروتمند امریکایی به نام ساروس بود که تا مدتها آثار زیانباری بر اقتصاد این کشور و کشورهای مجاور آن گذاشت.

حقوقی هم در نظر گرفته شده است.<sup>۵</sup> در سالهای اخیر نیز گرایشهایی از سوی برخی محاکم ایران به پذیرش این نوع مسئولیت مشاهده شده است.<sup>۶</sup> ولی قانونگذار ایرانی تاکنون موضع صریحی در این باب اتخاذ نکرده است اما پیش نویس ماده ۶-۱۳۳ از لایحه قانون مجازات اسلامی اولین گام را در این زمینه برداشته است.

ماده مذکور مقرر می‌دارد:

«مجازاتهای مالی و محرومیت از حقوق قابل تسری به اشخاص حقوقی است بدان معنا که جرائم ارتكابی به وسیله سازمانها و نمایندگان آنها که در راستای اجرای نمایندگی و وظائف مربوطه انجام گرفته است به حساب اشخاص حقوقی گذاشته خواهد شد و ترتیب و مقدار و نحوه اجرای آن را قانون مشخص می‌کند. مسئولیت اشخاص حقوقی نافی مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب یا معاون نمی‌باشد».

درج این ماده در لایحه قانون مجازات اسلامی را می‌توان از امتیازات این لایحه برشمرد و در صورت تصویب آن در مجلس شورای اسلامی و تأیید آن توسط شورای نگهبان، قدم اول در تدارک تئوریک توسعه نظام کیفری ایران در این جهت قلمداد شود، معهذا اکتفای لایحه به این یک ماده در این خصوص قابل انتقاد است و انتظار می‌رفت مواد دیگری از قانون نیز به این امر اختصاص یابد تا بتواند حداقل انتظاری را که برای تبیین اصول کلی این نوع از مسئولیت می‌رفت جوابگو باشد و احالۀ ترتیب و مقدار و نحوه اجرا به تصویب قانون در آینده مطلوب به نظر نمی‌رسد. در عین حال این ماده را از چند جهت مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم:

اگر چه در متن این ماده مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ذکر نشده است و حتی در جمله اخیر آن از به کار بردن وصف «کیفری» پس از کلمه «مسئولیت» خودداری شده است لکن همین که مجازات، قابل تسری به این اشخاص دانسته شده است در حالیکه تحمیل مجازات بدون فرض قبلی مسئولیت کیفری امکان ندارد دلالت التزامی بر پذیرش مسئولیت کیفری دارد. همچنین تصریح این ماده بر آنکه مسئولیت اشخاص حقوقی نافی مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب نمی‌باشد قرینه‌ای است بر اینکه مسئولیت

۵. برای اطلاع از این موارد، نک: وحید اشتیاق، پیشین، ص ۲۱.

۶. جهت اطلاع از نمونه‌هایی از آراء صادره توسط دادگاههای عمومی و انقلاب، نک: همان، ص ۳۲.

اشخاص حقوقی نیز از نوع کیفری است. به هر حال اگر چه نویسندگان این ماده با ظرافت از ذکر عبارت «مسئولیت کیفری» طفره رفته‌اند لکن چنانچه ملاحظه شد این امر چیزی از دلالت آن بر پذیرش این نوع از مسئولیت نمی‌کاهد و لذا بهتر بود که تصریح می‌شد که این اشخاص دارای مسئولیت کیفری هستند.

نکته قابل انتقاد دیگر منحصر ساختن مجازات به مجازاتهای مالی و محرومیت از حقوق است. اگر در این ماده به مسئولیت کیفری این اشخاص بسنده می‌شد و تعیین مجازاتهای آنان به مواد دیگری موکول می‌شد بهتر بود چرا که شاید گونه‌های دیگری از مجازاتها نیز که قابل تحمیل بر اشخاص حقوقی هستند در تکمیل رژیم کیفری به کار آیند. هر چند رایجترین مجازاتهای مورد استفاده برای اشخاص حقوقی از نوع مجازاتهای مالی هستند اما دلیلی ندارد که راه را بر استفاده از مجازاتهای دیگر ببندیم. مجازاتهایی نظیر «محکومیت شخص حقوقی به ارائه خدمات عمومی معین برای مدت معین» و یا «مکلف شدن شخص حقوقی به شناسایی و تنبیه اداری فرد و یا افراد خاطی» و یا «محکومیت شخص حقوقی به اصلاح سازمان و تشکیلات و یا روشها» و یا حتی «انحلال» از جمله مجازاتهایی هستند که در کشورهای دیگر تجربه شده‌اند و شایسته است قانونگذار ما با استفاده از تجارب مثبت سایر نظامهای حقوقی راه توسعه این بخش از قانون مجازات اسلامی را کوتاه کند.

مطلب دیگر آنکه اطلاق عبارت «اشخاص حقوقی» در صدر ماده علاوه بر اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، اشخاص حقوقی عمومی<sup>۷</sup> نظیر سازمانهای دولتی و یا شهرداریها را نیز شامل می‌گردد در نتیجه در صورت تصویب این ماده، موضع مقنن ایرانی از مواضع برخی دیگر از کشورها که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته‌اند ولی آن را به اشخاص حقوقی عمومی تسری نداده‌اند و یا به طور محدود پذیرفته‌اند<sup>۸</sup> متمایز خواهد ساخت. برای مثال در فرانسه بر اساس قانون مجازات مصوب

۷. منظور از اشخاص حقوقی عمومی دستگاههایی نظیر وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی، شرکتهای دولتی (در برخی موارد)، شهرداریها و سایر مؤسسات عمومی هستند.

۸. از جمله در فرانسه در سال ۱۹۹۲ با تصویب قانون جزای جدید، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این کشور رسماً پذیرفته شد. قسمتی از ماده ۲-۱۲۱ این قانون مقرر می‌دارد: «اشخاص حقوقی به استثنای دولت، به تفصیلی که در مواد ۴-۱۲۱ تا ۷-۱۲۱ بیان شده و قوانین و مقررات پیش‌بینی کرده‌اند از نظر کیفری مسؤول جرائمی هستند که عامل یا نماینده به حساب آنها مرتکب می‌شود. مسئولیت کیفری

۱۹۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، تنها در صورتی قابل تسری به اشخاص حقوقی حقوق عمومی نیست که اقدامات مجرمانه آنها مربوط به اعمالی باشد که قابلیت واگذاری به بخش غیردولتی را نداشته است یعنی مواردی که از نوع اعمال حاکمیت است وگرنه در مواردی که اشخاص حقوقی دولتی تصدی خدمات قابل واگذاری به بخش خصوصی را بر عهده گرفته‌اند در شمول این نوع از مسئولیت قرار دارند. اما در صورت تصویب این ماده در نظام کیفری ما اشخاص حقوقی حقوق عمومی مطلقاً همچون سایر اشخاص حقوقی قابل مجازات خواهند بود.

عدم پذیرش مسئولیت کیفری برای این نوع از اشخاص و یا پذیرش محدود آن در برخی از کشورها مبتنی بر دلایلی است. از جمله این دلایل آن است که مجازات اشخاص حقوقی حقوق عمومی با اصل شخصی بودن مجازاتها مغایر است و آن را نقض می‌کند زیرا با مجازات اشخاص حقوقی حقوق عمومی در واقع تابعان قدرت عمومی مجازات می‌شوند. اگر مجازات بر دولت تحمیل شود در واقع این مجازات باید از محل مالیات مؤدیان پرداخت شود و مؤدیان مالیات که خود قربانیان جرم بوده‌اند باید در تحمل مجازات نیز سهیم شوند از طرفی این امر باعث تحقیر دولت و در نتیجه تابعان قدرت عمومی دولت است. به عقیده برخی از حقوقدانان حتی در خصوص تحمیل مجازات بر مؤسسات عمومی که ارائه‌کننده خدمات عمومی هستند نیز باز هم مردم زیان اصلی را خواهند دید زیرا خدمات عمومی نوعاً دارای دو خصیصه «ضرورت» و «استمرار» هستند و در حقیقت همین دو خصیصه بوده است که موجبات تأسیس یک مؤسسه عمومی را فراهم کرده است. بنابراین اگر با مجازات مؤسسه عمومی اختلالی در خدمات عمومی آن ایجاد شود، استفاده‌کنندگان از این خدمات هستند که از یک رشته خدمات ضروری محروم می‌گردند. این در حالی است که احتمالاً رفتار مجرمانه مؤسسه عمومی نیز خود قبلاً لطماتی را به افراد وارد کرده است. دلیل دوم که برای مستثنا ساختن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی ذکر می‌شود آن است که مجازات این نوع از اشخاص حقوقی بی‌فایده است. مجازاتها معمولاً سه هدف را تعقیب می‌کنند که امروزه بیش از

←

اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت اشخاص حقیقی که مباشر همان جرم هستند نمی‌باشد.» همچنین صدر ماده ۲-۱۲۱ آن دسته از مؤسسات عمومی و ادارات تابعه آنها را که عهده‌دار انجام خدمات عمومی غیرقابل تفویض هستند از شمول مسئولیت کیفری مستثنا کرده است.

همه پیشگیری و اصلاح مجرم مورد نظر است. هدف دیگر نیز هدف اخلاقی سزادهی و اجرای عدالت است که تشفی خاطر قربانیان جرم را نیز به دنبال دارد. اما در مجازات مؤسسات عمومی، خاصیت قابل توجهی از پیشگیری و اصلاح به چشم نمی‌خورد. زیرا این نوع اشخاص حقوقی در پی کسب منفعت و سودجویی تعدادی از شرکا به وجود نیامده‌اند که با تحمیل مجازات بر آنها و از دست دادن قدری از منافع، اسباب عبرت دیگران شوند بلکه اینها به نمایندگی از قدرت عمومی برای تأمین خدمات عمومی به وجود آمده‌اند و تحمیل مجازات بر آنها موجب از دست دادن چیزی برای کسی نیست که مایه عبرت و پیشگیری باشد و آنها را وادار به اصلاح سازد تا دیگر منافعی را از دست ندهند لذا در این موارد همان روش سنتی تحمیل مجازات بر مدیران و کارکنانی که دست به ارتکاب اعمال مجرمانه زده‌اند و یا با ترک فعل و قصور در انجام وظایف جرمی را مرتکب شده‌اند کافی است و بیش از آن نفعی برای جامعه ندارد. به نظر می‌رسد روشی که قانونگذار فرانسوی در پیش گرفته است بتواند مدل مناسبی برای کشور ما هم باشد و در واقع با محدود شدن حوزه مصونیت دولت به موارد اعمال حاکمیت، دولت نیز تشویق خواهد شد که تا حد ممکن خدمات عمومی را به بخش غیردولتی واگذار کند.

برای نویسنده روشن نیست که آیا نویسندگان لایحه پس از توجه به این دلایل، این موضع را اتخاذ کرده‌اند یا بدون توجه به آنها. در عین حال اگر نویسندگان بر این تصور بوده‌اند که اطلاق این ماده را در قوانین آتی مقید خواهند ساخت باید متذکر شد که اولاً تنها ترتیب و نحوه اجرای مجازات به قانون بعدی حواله شده است و نه حدود مسؤولیت انواع اشخاص حقوقی. ثانیاً اگر چه این روش امکان‌پذیر است اما با اسلوب صحیح قانونگذاری مطابقت ندارد و بهتر است مقنن مطلق و مقید را در یک زمان و موضع بیان کند بخصوص وقتی این پیش‌نویس پس از سالها به‌عنوان اولین قانون مجازات اسلامی غیرآزمایشی به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد گردیده است و از آن انتظار می‌رود در این شأن از کمال قرار داشته باشد و در عین حال معلوم نیست که بین انشاء مطلق و قانون بعدی که مقید را انشاء خواهد کرد چه زمانی فاصله خواهد شد.

یکی دیگر از نکات مندرج در این ماده به بیان ضابطه اسناد جرم به شخص حقوقی مربوط است. ضابطه اسناد جرم به اشخاص حقوقی باید بتواند حداقل دو سوال مهم را برای تشخیص اعمالی که قابل نسبت دادن به شخص حقوقی هستند جوابگو باشد. یکی

آنکه اعمال و رفتار چه اشخاصی را می‌توان به‌عنوان اعمال و رفتار قابل اسناد به شخص حقوقی دانست؟ آیا تنها اقدامات مدیران عالی‌رتبه شرکت نظیر مدیر عامل و هیأت مدیره را می‌توان به شخص حقوقی نسبت داد و یا اینکه حتی رفتارهای تمام کارکنان شخص حقوقی می‌تواند به حساب آن گذاشته شود؟ آیا اقدامات نمایندگان یک شرکت و یا پیمانکارهای آن نیز همین قابلیت را دارا هست؟ سوال دیگر اینکه کدام رفتار و اعمال این اشخاص قابلیت استناد به شخص حقوقی را داراست. آیا تمامی رفتارها و اقداماتی که این اشخاص در راستای وظایف خود انجام می‌دهند قابلیت اسناد دارند و یا اینکه این رفتارها باید ویژگی‌های دیگری هم داشته باشند؟ مثلاً آیا لازم نیست که تنها اقداماتی که در جهت منافع شخص حقوقی ارتکاب یافته است این خاصیت را دارا باشند چرا که گاهی اعضای یک شخص حقوقی ممکن است با سوء استفاده از موقعیت خود و یا بدون توجه به منافع شخص حقوقی و یا حتی در جهت منافع شخصی خود دست به ارتکاب اقداماتی زده باشند. در این صورت آیا بهتر نیست که شخص حقوقی تنها در برابر اعمالی مسئول باشد که از قبال آنها سودی برده است؟ از طرف دیگر اگر اقدامات کارکنان هم می‌تواند موجب مسئولیت شخص حقوقی شود آیا بهتر نیست که تنها محدود به آن دسته از اقدامات ایشان شود که با اطلاع و پذیرش مدیریت شخص حقوقی صورت گرفته است؟ آیا اگر مدیران شخص حقوقی نسبت به چنین اعمالی رضایت نداشته باشند و با سیاست و مشی ایشان مخالف بوده باشند و حتی خود به محض اطلاع با آن برخورد کرده باشند باز هم باید به حساب شخص حقوقی گذاشته شود؟ تبیین این ضابطه از مهمترین مسائل مرتبط با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است و مباحثات طولانی و پردامنه‌ای را در کشورهای مختلف موجب گردیده است و در نهایت پاسخ این سوالات در کشورهای مختلف یکسان نبوده و در نتیجه رژیم‌های مختلفی در این زمینه پدید آمده است. این ضابطه دستخوش تغییراتی در برخی کشورها بوده است و در واقع نقش اصلی قانونگذاران - و دستگاه قضائی در کشورهای کامن‌لا - همین بوده است که موارد مهمی از جمله این ضابطه را مورد بررسی و تبیین قرار دهند. نویسندگان در محدوده تفحصی که داشته است هفت نظریه و رژیم حقوقی را شناسایی کرده است که عناوین آنها عبارتند از:

- نظریه شخصیت ثانوی؛

- نظریه مسئولیت مافوق و کارفرما؛



- نظریه نمایندگی؛
- نظریه تقصیر در واکنش؛
- نظریه تقصیر جمعی؛
- نظریه مسئولیت بر اساس سیاست شخص حقوقی؛ و
- نظریه قدرت و پذیرش.

نویسنده همچنین در جای خود نظریه دیگری را بر اساس شریعت اسلامی که مبنای قوانین و مقررات کشور است تحت عنوان «نظریه وکالت» پیشنهاد نموده و بر این عقیده است که در مقایسه با نظریات شناسایی شده از سایر کشورها تناسب بیشتری با نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارد.

به هر حال در متن ماده مذکور از لایحه آمده است که: «جرائم ارتكابی به وسیله سازمانها و نمایندگان آنها که در راستای اجرای نمایندگی و وظائف مربوطه انجام گرفته است به حساب اشخاص حقوقی گذاشته خواهد شد» برای نویسنده معلوم نیست که معیار بیان شده در این ماده با چه میزان توجه به سوالات مرتبط از جمله سوالاتی که فوقاً گذشت و صرف وقت در پاسخ آنها برگزیده شده است و کدام مبنا برای توجیه آن انتخاب شده است. اما با فرض تصویب همین متن در مجلس شورای اسلامی و تأیید آن توسط شورای نگهبان، متن ماده را که برای یافتن پاسخ به سوال اول مرور می‌کنیم تا بدانیم که چه کسانی ممکن است اقداماتی بنمایند که به سازمان نسبت داده شود، با دو عبارت مواجه می‌شویم: اول، «جرائم ارتكابی به وسیله سازمان» و دوم، «جرائم ارتكابی به وسیله نمایندگان سازمانها». در خصوص قسمت اول احتمالاً اشتباه عبارتی صورت گرفته باشد زیرا این عبارت که در مقام معنا کردن عبارت پیش از آن یعنی گذاشته شدن مجازات به حساب اشخاص حقوقی است، تکرار صورت مسأله و کاملاً مبهم و ناقص و شاید هم زاید و تکراری باشد و نه تنها به معنا کردن عبارت پیش از آن کمکی نمی‌کند بلکه می‌تواند موجب ابهام بیشتر شود. اما از عبارت دوم درمی‌یابیم که هر کس که نماینده شخص حقوقی تلقی شود ممکن است اقداماتی را انجام دهد که قابلیت اسناد به شخص حقوقی داشته باشد. از واژه «نماینده» در این ماده یا سایر مواد قانونی تعریف به عمل نیامده است و لذا دادگاه باید با عنایت به مفهوم نماینده مصادیق آن را تشخیص دهد و از آنجا که در تفسیر مواد قوانین کیفری باید راه تضییق را پیش گرفت لذا هر شخصی که در صدق این

عنوان بر او تردید شود از این دایره خارج می‌گردد. در عین حال مطابق این ماده تنها آن دسته از اعمال نمایندگان قابل انتساب به شخص حقوقی دانسته شده است که در راستای اجرای نمایندگی و وظائف مربوطه انجام گرفته باشد. اتخاذ این معیار می‌تواند از این جهت مورد انتقاد قرار گیرد که در عمل دادگاه را ناچار خواهد ساخت که وارد بررسی سازمان و شرح وظایف شخص حقوقی شود تا احراز نماید که آیا اقدامات انجام شده در راستای اجرای نمایندگی و وظایف مربوطه بوده است یا خیر لذا ممکن است در عمل دادگاهها را با مشکلاتی مواجه کند و بر طول مدت و هزینه‌های دادرسی بیافزاید. نکته دیگر آنکه بر اساس این ماده در صورتی که دادگاه احراز نماید که اقدامات ارتكابی در راستای وظایف مربوطه بوده است، قابل انتساب به شخص حقوقی خواهد بود، اعم از آنکه اقدامات مزبور به دستور مقامات مافوق شخص حقوقی و یا حداقل مورد رضایت ایشان بوده باشد یا خیر و نیز اعم از آنکه در راستای منافع شخص حقوقی بوده باشد یا اینکه مرتکب با انگیزه منافع شخصی و با سوء استفاده از موقعیت اداری خود دست به این اقدامات زده باشد. مطالعه و انتخاب و تدوین و تکمیل این ضابطه از جمله مواردی است که امیدوار است در موقع تصویب این قانون در مجلس شورای اسلامی مورد توجه کافی قانونگذار قرار گیرد.

سوال دیگری که باید پاسخ آن را در متن این ماده جستجو کنیم این است که چه نوع از جرائم ارتكابی قابل انتساب به اشخاص حقوقی هستند؟ آیا صرفاً جرائم مادی که اثبات آنها مستلزم احراز سوء نیت مرتکب نیست و یا اینکه دامنه وسیعتری را شامل می‌گردد؟ آیا بر اساس این ماده جرمی نظیر قتل همانند رژیم برخی کشورهای دیگر قابل انتساب به شخص حقوقی هست یا خیر؟ از متن ماده پیشنهادی پاسخ روشنی را در نمی‌یابیم لکن ممکن است به قرینه آنکه صرفاً مجازاتهای مالی و محرومیت از حقوق قابل اعمال بر شخص حقوقی دانسته شده‌اند بتوان استنباط کرد که تنها جرائمی ممکن است به اشخاص حقوقی نسبت داده شوند که مجازات آنها مالی و یا محرومیت از حقوق باشد. چنین استنباطی از این ماده اگرچه احتمالاً با مراد نویسندگان آن مطابقت بیشتری داشته باشد لکن از این جهت قابل انتقاد است که دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را بسیار محدود می‌سازد و نظم حقوقی را در بهره‌مندی از ظرفیتهای پذیرش این نوع از مسئولیت کم بهره می‌سازد. در بسیاری از کشورهایی که مسئولیت کیفری اشخاص

حقوقی را پذیرفته‌اند تقریباً همه جرائم که ذاتاً قابل انتساب به شخص حقوقی باشند از جمله جرائمی که مجازات حبس برای آنها مقرر شده است در این زمره قرار می‌گیرند و قابل انتساب به شخص حقوقی هستند البته در این موارد به جای مجازات حبس، مجازاتهای دیگری ممکن است اعمال شود. از طرف دیگر استنباط مذکور در مورد جرائمی که مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی برای آنها هم از نوع مجازاتهای مالی و هم از نوع مجازاتهای دیگر نظیر حبس باشد با تردید مواجه می‌شود. به هر حال تعیین شفاف محدوده اعمال قابل انتساب به اشخاص حقوقی از جمله موارد دیگری است که باید امید داشت در موقع تصویب این لایحه در مجلس شورای اسلامی مورد توجه قرار گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 1

2008-1

## Articles

- Improvement of Buy Back Contracts in Iran's Oil Industry
- UNSC Resolution 1835: Its Bases and Perspectives
- Exclusion Clauses in Personal Insurances
- Human Rights and Criminalization Holocaust Denial: Conflict or Compatibility?
- Nuclear Incident and Principles of Civil Liability
- Prohibition of the Use of Force and the South Ossetia Crisis

## Special Issue: Legal Protection of Persons with Disabilities

- Change of Discourse: People with Disabilities and the Contemporary Human Rights
- Reflections on Iranian Comprehensive Code for Protection of the Disabled Persons
- The Right of Children with Disabilities to Education in Iran
- Mechanisms to Protect "The Right to Work" of Persons with Disabilities
- Protection of Persons with Disabilities in Armed Conflicts
- Reflections on Protection of the Rights of People with Disabilities in European Community
- European Court of Human Rights and Appropriate Prison for Persons with Disabilities

## Critique: The Draft of Iranian Penal Code

- A Pathology of the Draft of Islamic Penal Code in the light of Speech Rationality
- The Place of Victim in the Draft of Islamic Penal Code  
(A Victimological Analysis on Articles 111-1 to 166-2)
- Criminal Responsibility of Legal Persons in the Draft of Islamic Penal Code
- Some Reflections on Permission in *Qesas*

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study